



## جایگاه و حقوق سیاسی زنان در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی ;

فاطمه کاشف الغطاء \*

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران، عرصه عمل به نظرات فقهی امام خمینی ; در مورد سیاست است که به برپایی نظام ولایی در ایران انجامید. نقطه عطف این نظام، پیوند مشروعیت الهی با مقبولیت مردمی است. اقشار مختلف مردم به ویژه خیل عظیم زنان، در تمام مراحل این انقلاب حضور مؤثر داشته‌اند. امام خمینی ; نیز همواره این حضور و به ویژه حضور بانوان را در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی مورد تأیید قرار داد. ایشان با ارایه تصویر صحیحی از زن مسلمان، زنان مسلمان ایرانی را به تداوم حضور سیاسی مؤثر در چارچوب احکام و فرامین شرعی و قانونی دعوت کرد. این بستر سبب شد که تجربه سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران، مانند پرشی بیمانند در تاریخ زنان ایران باشد. به نظر امام ; حق دخالت در سرنوشت و حضور فعال سیاسی زنان، هم حق و هم تکلیف آنان است. این ایده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده است.

**کلیدواژه:** اسلام، نظام سیاسی، مشارکت سیاسی، حقوق، زن مسلمان.

## مقدمه

امام خمینی؛ از شخصیت‌های تأثیرگذار عصر حاضرند که دیدگاه‌های ایشان در مورد ماهیت حکومت در اسلام، به برقراری نظامی اسلامی با عنوان «جمهوری اسلامی» در ایران انجامید. آنچه باعث شد که دیدگاه امام؛ را مردم به گونه‌ای حمایت کنند که باعث تغییر نظام حاکم شود، آن بود که ایشان با توجه به عمق باور و ایمان ملت، نظام سیاسی‌ای مبتنی بر مذهب ترسیم کرد. به همین دلیل پژوهش در ابعاد نظری و عملی دیدگاه‌های وی در مسایل سیاسی، اهمیت ویژه‌ای دارد.

میزان بالای مشارکت مردم در حمایت و تضمین بقای این نظام جمهوری اسلامی از مسایلی است که در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران اهمیت زیادی دارد. در این میان، نقش زنان و مشارکت آنان در امور سیاسی چه در مرحله پیروزی انقلاب و چه در مرحله تداوم، دارای اهمیت است. امام خمینی؛ همواره در رهنمودهای عملی خود، از نقش زنان در به ثمر رسیدن انقلاب و تداوم نظام جمهوری اسلامی تجلیل کرده و خواستار مشارکت بیشتر آنان بوده است. پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی جایگاه سیاسی زنان در نظام جمهوری اسلامی در چارچوب دیدگاه امام؛ بپردازد.

## جایگاه مردم در نظام اسلامی

برای بررسی جایگاه و حقوق سیاسی زنان در نظام سیاسی اسلامی، نخست باید جایگاه مردم در سلسله مراتب حاکمیت در چنین نظامی تبیین شود. یکی از اصول اساسی نظام سیاسی اسلامی، اصل حاکمیت الهی است. این اصل در پیوند با مقبولیت مردمی است که پایه‌های حکومت را پی‌ریزی می‌کند.

در دیدگاه امام؛ بین حاکمیت الهی و حاکمیت مردمی تنافی وجود ندارد، نه به این معنی که این دو حاکمیت، در عرض هم قرار گیرند، بلکه حاکمیت مردم در طول حاکمیت الهی است. به این ترتیب، امام؛ در کتاب *البیع*، جمهوریت و استبداد را کنار هم قرار داده است و



هر دو را نفی می‌کند؛ زیرا در هر دو، قانونگذار فقط بشر است و در مقابل از جمهوری‌تی سخن می‌گوید که با اسلام قابل جمع باشد.

در کلام امام ؛ سخنان فراوانی را می‌توان یافت که در آنها بر اهمیت آرای مردم در حکومت تأکید شده است: «اینجا آراء ملت حکومت می‌کند. اینجا ملت است که حکومت را در دست دارد. این ارگان‌ها را ملت تعیین کرده است و تخلف از حکم ملت برای هیچ یک از ما جایز نیست و امکان ندارد»<sup>۱</sup>.

در عین حال، ایشان بر لزوم حفظ اصول اسلامی نظام تأکید می‌کند و رأی مردم را تا جایی نافذ می‌داند که مخالف حاکمیت الهی نباشد: «ما می‌خواهیم که حکومت، هم الهی باشد و موافق حکم خدا و هم با رأی مردم باشد و موافق میل مردم»<sup>۲</sup>.

بر این اساس، در اندیشه امام ؛ نظام سیاسی اسلام دارای سه رکن اساسی قانون، مردم و مسئولان سیاسی است. رکن قانون در واقع تنظیم‌کننده رابطه بین مردم و مسئولان است. در مورد قانون، همه مردم در پیشگاه قانون الهی برابرند و تفاوتی بین رئیس و مرئوس و حاکم و محکوم و یا زن و مرد نیست.<sup>۳</sup> در دو رکن دیگر، مردم یا انتخاب‌گرند و یا تصمیم‌ساز؛ بر این اساس، یا در فرآیند انتخابات و گزینش سیاسی حق رأی دارند یا در فرآیند تصمیم‌سازی سیاسی مشارکت می‌کنند. البته در دیدگاه امام ؛ نقش مردم در مقایسه با مسئولان برجسته است و مسئولان و کارگزاران سیاسی، خادم ملت هستند. در آخر می‌توان گفت که در تلفیق اسلامیت (محتوای حکومت) و جمهوریت (شکل حکومت) و در پرتو مردم‌سالاری دینی و حاکمیت خدادادی مردم، حکومت از مردم، با مردم و برای مردم است و به تعبیر دیگر حکومت قانون اسلامی (به انتخاب خود مردم) بر مردم است.<sup>۴</sup>

### حقوق مردم در نظام اسلامی

بر اساس این مبانی، مردم نقش اساسی در شکل‌گیری و تداوم نظام سیاسی دارند. بنابراین، باید حقوق سیاسی نیز داشته باشند. در اندیشه سیاسی امام ؛ به حقوق مردم در حکومت

توجه بسیار شده است. البته بدیهی است که این مجموعه حقوقی، ویژه زنان یا مردان نیست، بلکه از آن همه مردم است. این مجموعه را تحت عناوین زیر می‌توان بررسی کرد:<sup>۵</sup>

## ۱. حق تعیین سرنوشت

امام خمینی؛ سرنوشت ملت را سرنوشت کشور و مذهب می‌داند و بر مردم لازم می‌دانند که به آن توجه داشته باشند.<sup>۶</sup> از طرف دیگر، از حق تعیین سرنوشت دفاع می‌کند.<sup>۷</sup> ایشان قبل از تشکیل حکومت جمهوری اسلامی در ایران، در فرانسه اعلام کرد:

حکومت «جمهوری اسلامی» مورد نظر ما، از رویه پیامبر اکرم ۹ و امام علی 7 الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت، با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد شد.<sup>۸</sup>

در عمل نیز قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، وقتی دولت موقت را تشکیل داد در کنار حق شرعی از حق قانونی ناشی از آرای مردم سخن به میان آورد<sup>۹</sup> و در سال‌های نخست پیروزی انقلاب و در مسئله گروگان‌گیری و چالش با آمریکا، در پاسخ به پیام پاپ فرمود:

آقای پاپ این را بدانند که مسئله، مسئله‌ای نیست که من بتوانم بالشخصه [با تصمیم فردی] حل کنم. ما بنا بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم، ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم.<sup>۱۰</sup>

حضرت امام؛ در این راه به برگزاری صحیح و آزاد انتخابات اهتمام جدی داشت. از این‌رو، تذکر می‌داد که هیچ نهاد، حزب و تجمعی نباید برای حوزه‌های دیگر، کاندیداد معرفی کند<sup>۱۱</sup> و آشکارا فرمود: «مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند».<sup>۱۲</sup>

## ۲. حق نقد

حضرت امام؛ ضمن تفکیک میان انتقاد و توطئه، انتقاد را در نظام اسلامی مجاز شمرده است و حتی در سال ۱۳۶۶، مسئولان را به تحمل اشکال بلکه، تخطئه که سطح عمیق‌تر و بالاتری از انتقادپذیری است، دعوت کرد و فرمود: «البته نباید ما گمان کنیم که هر چه



می‌گوییم و می‌کنیم، کسی را حق اشکال نیست. اشکال، بلکه تخطئه، یک هدیه الهی است برای رشد انسان‌ها»<sup>۱۳</sup>.

### ۳. حق تأسیس تشکل

اگر تشکل‌ها را به دو دسته دولتی و مردمی تقسیم کنیم، حق تأسیس شامل تشکل‌های مردمی می‌شود. یکی از انتقادات امام ؛ به نظام پهلوی، آن بود که آنها حزب دولتی می‌ساختند و مردم را مجبور به عضویت در آن می‌کردند.

حضرت امام ؛ در سال ۱۳۵۳ اعلام کرد که حزب رستاخیز، حزبی تحمیلی و مخالف قانون اساسی است. در اوایل انقلاب اسلامی نیز با تشکیل شمار زیاد احزاب موافق نبود<sup>۱۴</sup> و فعالیت احزاب را به صورت مشروط پذیرفت؛ چرا که به نظر ایشان، فعالیت‌های احزاب در صورتی که مضر نباشد، آزاد است.<sup>۱۵</sup> درباره تشکل‌های غیرحزبی، از حضرت امام ؛ پرسیدند که آیا با تشکل اتحادیه‌های کارگری در چارچوب حکومت جمهوری اسلامی موافق است؟ ایشان در پاسخ این نوع تشکل‌های صنفی را حامی حقوق اصناف و تشکیل آن را ضروری دانست.<sup>۱۶</sup>

### ۴. آزادی

آزادی موهبتی است که خدای متعال به انسان‌ها عطا کرده است، ولی این حق در بسیاری موارد رد به زور از مردم گرفته می‌شود. انقلاب اسلامی ایران، به رهبری امام خمینی ؛ حرکتی بود برای رهایی از یوق بندگی غیرخدا و کسب آزادی و استقلال.

از نظر امام خمینی ؛ آزادی عبارت است از حق انتخاب و یا اختیاری که انسان‌ها در رابطه با نوع زندگی، مشی و عقیده خود دارند و محدوده آن را قانون اساسی که بر اساس قوانین اسلامی تدوین شده است، مشخص می‌کند:

آزادی در حد قانون است. اسلام از فساد و از فسادها جلوگیری می‌کند و همه آزادی‌ها را که مادون فساد باشد جلویش را گرفته است.

ما تا زنده هستیم، نمی‌گذاریم این آزادی‌هایی که آنها می‌خواهند - تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم - این آزادی‌ها تحقق یابد.<sup>۱۷</sup>

به عقیده امام ؛، خالق و آفریننده جهان و همه عوالم وجود و انسان، تنها ذات اقدس الهی است که از همه حقایق مطلع است و قادر بر همه چیز است و مالک همه چیز. این اصل به ما می‌آموزد که انسان، فقط در برابر ذات الهی باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند، مگر اینکه اطاعت او، اطاعت خدا باشد. بر این اساس، هیچ انسانی نیز حق ندارد انسان‌های دیگر را به تسلیم در برابر خود مجبور کند؛ نتیجه این اصل اعتقادی، اصل آزادی بشر است که هیچ فردی حق ندارد انسان، جامعه و یا ملتی را از آزادی محروم کند، برای او قانون وضع کند، رفتار و روابط او را بنا به درک و شناخت خود و یا بنا به خواسته‌ها و امیال خود تنظیم نماید.<sup>۱۸</sup>

به نظر امام ؛ نعمت آزادی، بالاترین نعمتی است که خداوند به بشر داده است. با توجه به استدلال اعتقادی که مطرح شد، ایشان آزادی را از بنیادهای اسلام دانسته و می‌فرماید:

«انسان مسلمان واقعی، فطرتاً یک انسان آزاد شده است».<sup>۱۹</sup>

در دیدگاه ایشان، آزادی حق طبیعی و اولیه انسان‌هاست و اعطای آزادی به آنها معنی ندارد؛ زیرا از ابتدا با آنها بوده و حتی بیان این مسأله جرم تلقی می‌شود،<sup>۲۰</sup> ولی این آزادی مطلق نیست، بلکه در کنار آن باید به حریم آزادی دیگران هم احترام گذاشت و طوری عمل کرد که خلاف قانون الهی نباشد.<sup>۲۱</sup>

یکی از مصادیق مهم آزادی که آثار سیاسی مهمی بر آن مترتب است، حق تعیین سرنوشت به دست انسان‌هاست: «قانون این است، عقل این است، حقوق بشر این است که سرنوشت هر آدمی به دست خودش باشد، هر ملتی سرنوشتش به دست خودش باشد».<sup>۲۲</sup> پذیرش نوع و شیوه حکومت در یک کشور و حدود و آزادی‌های اجتماعی انسان، ناشی از پیش فرض‌هایی در مورد انسان و ماهیت اوست. هر متفکری با توجه به نوع بینش خود در مورد انسان، نوعی از حکومت را برمی‌گزیند که از پیش فرض‌های ذهنی او سرچشمه می‌گیرد. از سوی دیگر، شیوه ارتباط حاکمان و زمامداران جامعه با ملت خود نیز ناشی از نوع تفکر آنها درباره انسان است. بنابراین، با توجه به دیدگاه اعتقادی امام ؛، ایشان جامعه



ایده آل خود را این گونه ترسیم می‌کند: «جامعه آینده ما، جامعه آزادی خواهد بود و همه نهادهای فشار و اختناق و همچنین استثمار از میان خواهد رفت»<sup>۲۳</sup>.

بنابراین، در نظام جمهوری اسلامی ایران، همه افراد حق دارند آزادانه نظرات خود را بیان و آزادانه عمل کنند؛ نظر و عملی که فقط قانون اسلام آن را محدود می‌کند، نه رأی و عقیده افراد. با توجه به این مبانی نظری در کلام امام<sup>علیه السلام</sup>، در جایگاه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران، به بحث درباره جایگاه سیاسی زنان می‌پردازیم.

### جایگاه سیاسی زنان در اندیشه امام خمینی<sup>علیه السلام</sup>

نظریاتی که امام خمینی<sup>علیه السلام</sup>؛ هنگام پیروزی انقلاب اسلامی و پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی بیان کرد، سبب تحولات بنیادی در نگرش به مسایل مربوط به زنان شد. امام خمینی<sup>علیه السلام</sup>؛ همواره به احقاق حقوق اساسی زنان مسلمان، اهتمام داشت. ایشان، به خوبی می‌دانست که بدعت‌های ظاهر شده در دین و پیرایه‌های به‌ناحق بسته شده به اسلام در مسایل زنان، سبب شده است که القائات فاسد و افکار مخرب بر زنان تأثیر بگذارد. مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و رفتار عملی ایشان، بیانگر توجه عمیق و جدی امام<sup>علیه السلام</sup>؛ به این موضوع حیاتی است.

یکی از نکات اساسی نظر ایشان در مورد زنان، توجه به بعد انسانی زنان است که در این مورد می‌فرماید:

«زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه

است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند، مرحله اول مرد و زن

صحیح، از دامن زن است؛ مربی انسان‌ها زن است»<sup>۲۴</sup>.

ریشه دیدگاه‌های غیرانسانی به زن، ناشی از توجه صرف به ظاهر و بدن اوست. نازل‌ترین

مرتبه وجودی مرد و زن، جلوه مادی آنهاست و به طور طبیعی فقط توجه به این بعد، باعث

دیدگاهی منفی در مورد موجودیت انسانی زن یا مرد می‌شود. حضرت امام<sup>علیه السلام</sup>؛ با این نوع نگاه

مخالف بود و به سیر تکاملی روح اصالت می‌داد و ابعاد حیوانی و انسانی زن را از هم جدا می‌کرد:

برای زن ابعاد مختلفی است، چنانچه برای مرد و برای انسان. این ورق صوری طبیعی، نازل‌ترین مرتبه زن است و نازل‌ترین مرتبه مرد است، لکن از همین مرتبه نازل، حرکت به سوی کمال است. انسان موجود متحرک است و مرتبه طبیعت تا مرتبه غیبت تا فنا بر الوهیت.<sup>۲۵</sup>

با توجه به این دیدگاه اساسی و تساوی زن و مرد در مرتبه انسانیت، در مسایل اجتماعی نیز، هیچ ضرورتی برای اختلاف زن و مرد در برخورداری از حقوق اجتماعی نخواهد بود. امام خمینی ؛ با توجه به این نکته می‌فرماید:

از نظر حقوقی، تفاوتی بین زن و مرد نیست؛ زیرا هر دو انسانند و زن حق دخالت در سرنوشت خویش را همچون مرد دارد. بله در بعضی از موارد، تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آنها ارتباط ندارد.<sup>۲۶</sup>

حضرت امام ؛ در این سخنان به نکته‌ای اشاره می‌کند که باعث تفاوت حقوقی میان زن و مرد می‌شود؛ اینکه در اسلام، بر حفظ محیط اجتماعی از مفاسد و خواسته‌های غیرانسانی تأکید بسیار شده است. هرچند زن و مرد از نظر انسانی متفاوت نیستند، ولی زن برای حضور در اجتماع مکلف به صیانت از وجود خود می‌باشد تا فارغ از مسایل ظاهری، در محیطی سالم بتواند به حضور خود تداوم دهد؛ از سوی دیگر مرد نیز موظف است که با دیدی پاک بر وجود زن بنگرد. بر این اساس، حقوق و قوانینی که اسلام در مورد زن و مرد صادر کرده است با هم متفاوت است، از جمله در بخش خانواده، عبادات، مجازات‌ها و... با این حال، در بحث حقوق مردم در حکومت اسلامی، اطلاق کلی مردم در قوانین، فارغ از جنسیت است و بر اساس اصل کلی، عدم تفاوت میان زن و مرد در حقوق و تکالیف تفسیر می‌شود.<sup>۲۷</sup>





امام خمینی ؛ در این باره می‌فرماید:

... در نظام اسلامی، زن همان حقوق را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لکن هم در مورد مرد مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفسده بر او حرام است و هم در مورد زن مواردی است که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند، حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد، اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد.<sup>۲۸</sup>

با در نظر گرفتن این نکته، برخی از متشرعین سخت‌گیری بر زنان را لازم دانستند و آنان را از فعالیت‌های اجتماعی منع کردند و زنان را مأمور به خانه‌نشینی کردند. در مقابل این تفکر، گروه دیگری قرار دارند که همه قید و بندها را برداشته‌اند و زن را به همان جاهلیت نخستین شیء بودن و ملعبه دست مرد بودن، سوق دادند، ولی امام راحل با توجه به دیدگاهی که توضیح داده شد، آزادی زن را به رسمیت شناخته و حتی اسلام را پایه‌گذار آزادی واقعی زن می‌داند: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود، پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است»<sup>۲۹</sup>.

حضرت امام ؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در مصاحبه با روزنامه آلمانی *دنیا* سوم در تاریخ ۱۳۵۸/۸/۲۴ از ابعاد آزادی زنان در حکومت اسلامی سخن گفته است: «زنها آزادند و در تحصیل هم آزادند و در کارهای دیگر هم آزادند، همانطور که مردها آزادند»<sup>۳۰</sup> و در ادامه با انتقاد از شرایط حاکم در دنیا درباره زنان می‌فرماید: «حالا است که نه زن آزاد می‌باشد و نه مرد»<sup>۳۱</sup>، ولی همانطور که گفته شد، این آزادی محدود است و حد آن رعایت قوانین اسلامی است:

آزادی در حد قانون است، اسلام از فساد و فسادها جلوگیری می‌کند و همه آزادی‌ها را که مادون فساد باشد، جلویش را گرفته

است. ما زنده هستیم، نمی‌گذاریم این آزادی‌هایی که آنها می‌خواهند

- تا آن اندازه‌ای که می‌توانیم- این آزادی‌ها تحقق پیدا کند.<sup>۳۲</sup>

به این ترتیب، در دیدگاه امام رحل شرط لازم برای فعالیت‌های اجتماعی زنان، ایجاد محیطی سالم برای حضور آنها در اجتماع است، اگر چنین محیطی فراهم شود، دلیلی نیست که زنان از حقوق خود محروم بمانند و از مشارکت در امور اجتماعی و سیاسی و حتی دست-یابی به مناسب سیاسی باز داشته شوند. آنچه باعث محدودیت حضور زنان در اجتماع می‌شود، همان نگاه‌ها و اهداف سودجویانه از زن است که شخصیت انسانی او را مورد سؤال قرار می‌دهد. با این مباحث این سؤال اساسی مطرح است که با توجه به مبانی مطرح شده، چرا دیدگاه حضرت امام ؛ درباره فعالیت‌های سیاسی زنان قبل و بعد از انقلاب، تغییر یافت؟

### علل تحول دیدگاه امام ؛ درباره مشارکت سیاسی زنان

قبل از انقلاب اسلامی، ماهیت ضددینی و استبدادی رژیم شاه که با اعطای آزادی‌های سیاسی به مردم منافات داشت، با اعطای آزادی و حق رأی به زنان، به دنبال استفاده ابزاری از زن و مخالفت با فرهنگ اسلامی بود. بر این اساس، امام خمینی ؛ این مسئله را دخالت در حوزه دین دانسته، بر آن می‌تاخت. نقطه عطف نظرات امام راحل، بحث تساوی حقوقی زن و مرد در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود. در این قانون، به زنان حق رأی و شرکت در انتخابات اعطا شده بود. حضرت امام ؛ در واکنش به این مسئله در تلگرافی به اسدالله علم، نخست‌وزیر آن زمان، بیان داشت:

ورود زن‌ها به مجلسین و انجمن‌های ایالتی و ولایتی و شهرداری، مخالف قوانین محکم اسلام [است] که تشخیص آن به نص قانون اساسی (مشروطه) محول به علمای اعلام و مراجع فتواست و برای دیگران حق دخالت نیست و فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت آن فتوا داده و می‌دهند. در این صورت، حق رأی دادن به زن‌ها و انتخاب آنها در همه مراحل، مخالف نص اصل دوم قانون اساسی است.<sup>۳۳</sup>



علاوه بر این پیام، ایشان در سال ۱۳۴۱، طی اعلامیه مشترکی به همراه نه تن از مراجع و علما، شرکت زنان در انتخابات را غیرقانونی و غیرشرعی دانسته، استناد وزیر را به مقدمه قانون اساسی، غیرقانونی اعلام کردند؛ چرا که مقدمه قانون اساسی جزو قانون محسوب نمی‌شود، بلکه فقط سخنان شاه است. از سوی دیگر، اگر این مقدمه جزو قانون بوده است، چرا از اول مشروطه به قانون عمل نمی‌شد. این مقدمه بیانگر این مطلب بود که هر یک از افراد اهالی مملکت، در تصویب و نظارت امور عمومی محق و سهیم می‌باشند.<sup>۳۴</sup>

امام ؛ در این شرایط، وظیفه خود می‌دانست که همه مردم را از اوضاع اختناق‌آمیز رژیم شاه و اهداف نامشروع آن آگاه کند. به نظر حضرت امام ؛، اعطای حق رأی به زنان، یکی از آن اهداف ابزاری بود: «تصویب‌نامه اخیر دولت راجع به شرکت نسوان در انتخابات، از نظر شرع بی‌اعتبار و از نظر قانون اساسی لغو، است».<sup>۳۵</sup>

امام ؛ با تعبیری مثل زیر پا گذاشتن احکام ضروری اسلام، به فساد کشاندن زنان مسلمان و... در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود برای افشای نقشه شوم رژیم شاهنشاهی درباره اعطای آزادی‌های سیاسی به زنان سعی می‌کرد:

دستگاه حاکمه ایران به احکام مقدسه اسلام تجاوز کرده... دستگاه جابره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب کند؛ یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن را زیر پا بگذارد؛ یعنی دختران هیجده ساله را به نظام اجباری ببرد.<sup>۳۶</sup>

گفته می‌شود، قدم‌هایی برای تساوی حقوق زن و مرد برداشته شده، در صورتی که هر کس به تساوی حقوق زن در ارث و طلاق و مثل اینها که جزء احکام ضروری اسلام است و معتقد است و لغو نماید، اسلام تکلیفش را تعیین کرده است.<sup>۳۷</sup>

امام ؛ علت مخالفت خود را، مخالفت رژیم با اسلام می‌داند. به عقیده ایشان، این حرکت آغاز طرحی بود که در انتهای آن کلیت اسلام مورد حمله قرار می‌گرفت:



کراراً تذکر داده‌ام که این دولت سوء نیت داشته و با احکام اسلام مخالف است. نمونه‌های آن یکی پس از دیگری ظاهر می‌شود. وزارت دادگستری دولت، با طرح‌های خود و با الغای اسلام و رجولیت از شرایط قضات، مخالفت خود را با احکام مسلمانه اسلام ظاهر کرد.<sup>۳۸</sup>

به این ترتیب، امام خمینی؛ مردم را متوجه تیغ تیز رژیم در قلب ماهیت احکام اسلامی می‌کند: دستگاه جبار گمان کرد با زمزمه تساوی حقوق می‌تواند راهی برای پیشرفت مقاصد شوم خود، که آن ضربه نهایی به اسلام است بیابد. دستگاه جبار که برای احدی از افراد ملت آزادی قایل نیست و سال‌هاست سلب آزادی از ملت را وسیله مقاصد خود قرار داده است، گمان کرده به اسم آزادی بانوان، می‌تواند ملت مسلمان را اغفال کند.<sup>۳۹</sup>

در مقابل این وضعیت، حضرت امام؛ به دفاع از اسلام پرداخته و چهره واقعی اسلام درباره مسایل بانوان را معرفی کرد، تا اتهام‌هایی را که متوجه اسلام می‌شد، پاسخ گوید. به نظر ایشان، کسانی که بدعت‌هایی را درباره نظر اسلام به زنان مطرح کرده‌اند، خائن به اسلام و خائن به زن‌ها می‌باشند:

ایشان (شاه) می‌فرماید که زن باید منزوی باشد! زن باید نمی‌داند چه باشد، یک همچو حرفی که به کرامت زن برمی‌خورد. اعتقاد ایشان درباره زن این است که باید یک تعبیر سویی کرده بود. اسلام می‌خواهد زن این جوری نباشد، اسلام می‌خواهد زن مثل همان طوری که مرد همه کارهای اساسی را می‌کند، زن هم بکند.<sup>۴۰</sup>

در نتیجه امام؛ اسلام را این گونه معرفی کرد:

اسلام می‌خواهد زن را حیثیت و احترامش را حفظ کند، می‌خواهد شخصیت به زن بدهد، که از این شخصیت بیرون بیاید. اینها می‌خواهند بفروشند... اسلام با زن مخالف است؟! اینها تبلیغات است، می‌خواهند شما را از اسلام دور کنند.<sup>۴۱</sup>

این رهنمودها سبب شد که زنان مسلمان ایرانی با آگاهی از مسایل پنهان و با تکیه بر فرهنگ غنی اسلام، از فرمان حضرت امام؛ پیروی کنند و حضوری فعال در انقلاب اسلامی داشته باشند، تا از این راه اعتراض خود به سیاست‌های ضد اسلامی رژیم را اعلام کنند و خواستار احترام به شأن انسانی خود شوند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به موازات برقراری حکومت بر اساس احکام متعالی اسلام و توجه ویژه حضرت امام؛ به حضور سالم اجتماعی زنان، ایشان به دلجویی از زنان پرداخته، از ظلم‌های تاریخی علیه زنان سخن گفت: «مع الاسف! زن در هر مرحله مظلوم بوده است، یکی در جاهلیت... و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیت بیرون کشید... یک موقع دیگر، در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه بود»<sup>۴۲</sup>.

به عقیده امام راحل، انقلاب اسلامی ایران نیز بره‌های دیگر برای آزادی زنان از اسارت بود و یکی از دغدغه‌های اصلی انقلاب احقاق حقوق حقه زنان در جامعه می‌باشد:

اسلام می‌خواهد که زن و مرد رشد داشته باشند. اسلام زن‌ها را نجات داده است از آن چیزهایی که در جاهلیت بود. آن قدری که اسلام به زن خدمت کرده، خدا می‌داند به مرد خدمت نکرده [است].<sup>۴۳</sup>

به عقیده ایشان، مقام زنان در اجتماع آنقدر بالاست که سعادت و شقاوت جوامع به وجود آنها وابسته است؛ زیرا زنان با تربیت انسان صالح، باعث آبادانی و سعادت کشورها خواهند شد. بر این اساس، زن مبداء همه خیرات است.<sup>۴۴</sup> البته امام راحل میان زن‌ها فرق گذاشته و پیروزی نهضت اسلامی را مرهون تربیت اسلامی آنان می‌داند، همان‌زمانی که رژیم شاه نتوانسته بود هیچ تزلزلی در ایمانشان ایجاد کند. حضور زنان در صحنه و نقش‌آفرینی آنها به کمک امام؛ به حرکتی زینب‌گونه تعبیر شده است که در مقابل یزیدیان زمان ایستادند و با مشت گره کرده، انقلاب را پیش بردند:

ما نهضت خودمان را مرهون زن‌ها می‌دانیم، مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند، تشویق می‌کردند. خودشان در صف‌های جلو بودند. زن یک همچو موجودی است که می‌تواند یک قدرت شیطانی را بشکند.<sup>۴۵</sup>



یکی از محورهای اصلی سخنرانی‌های امام ؛ پس از انقلاب اسلامی، تقدیر و تشکر از نقش‌آفرینی زنان در انقلاب و حضور فعال آنها در صحنه بود، ایشان در ادامه خواستار حفظ این حضور با شکوه در صحنه‌های دیگر انقلاب می‌باشد:

آنچه لازم است تذکر بدهم شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در رفرا ندم است. زنانی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، توجه داشته باشند که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هر چه بیشتر تضمین کنند.<sup>۴۶</sup>

حضرت امام ؛ پس از اشاره به نقش زنان در شکست رژیم شاه و ابرقدرت‌ها و خشکاندن ریشه‌های فساد، افتخار می‌کنند که یک روز از سال را با نام «روز زن» نام‌گذاری کرد تا از زن و پیشرفت آنها در جمهوری اسلامی با افتخار سخن بگوید. امام ؛ همچنین اشاره می‌کند که شیوه نگرش به زن، مانند گذشته نیست: «در آن وقت می‌گفتند که نیمی از جمعیت ایران که در پرده هستند، دیگر کاری ازشان بر نمی‌آید. نه اینکه می‌خواستند کاری ازشان بیاید، برای اینکه مردها را محروم کردند، از کارهای فعال».<sup>۴۷</sup> و پس از آن به اهمیت حضور زنان در صحنه اشاره می‌کند:

و شما زنان باید در همه صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داده، وارد باشید؛ مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد... همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات، خانم‌ها هم فعالیت می‌کنند. برای اینکه فرقی بین شما و سرنوشتتان با دیگران نیست.<sup>۴۸</sup>

به این ترتیب، نقش زنان در انتخاب افرادی صالح برای اداره کشور بیش از پیش اهمیت یافت، به طوری که رأی زنان به فردی صالح و متعهد می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری مجلسی قومی و کارآمد و یا رئیس جمهوری مقتدر باشد که مرعوب قدرت‌های بزرگ نباشند و به سعادت و صلاح مردم کشور خویش بیندیشند.<sup>۴۹</sup> بنابراین، حوزه سیاست که گمان می‌شد

عرصه فعالیت مردانه است و زنان را در آن راهی نیست، به عرصه‌ای عمومی تبدیل شد که در آن زن و مرد به طور مساوی حق مشارکت دارند:

امور سیاسی مخصوص یک طبقه نیست، همان طوری که علم مخصوص یک طبقه نیست. همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه خود را حفظ نمایند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی همدوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است.<sup>۵۰</sup>

### حقوق سیاسی زنان از دیدگاه امام خمینی :

متأسفانه دیدگاه‌های منفی زیادی درباره زنان در جوامع رواج دارد که بر مسایل حقوقی آنها تأثیر می‌گذارد. در برخی مواقع حتی برخی از دانشمندان در قایل شدن شأن انسانی برای زن تردید دارند، از این رو، حقوقی برای او قایل نیستند. حضرت امام خمینی ؛ نه فقط بر شأن انسانی زنان تأکید می‌کند، بلکه آنها را ستایش کرده و منشأ خیرات جامعه می‌داند. به نظر امام ؛ این توجه به مرتبه طبیعی زن است که او را از درجه انسانیت ساقط می‌کند؛ چرا که زن و مرد هر دو دارای ابعاد مختلفی هستند؛ یک مرتبه نازل حیوانی و یک مرتبه متعالی<sup>۵۱</sup> که توجه به ابعاد حیوانی باعث برداشت‌های غلط چه در مورد زنان و چه در مورد مردان می‌شود.

حضرت امام ؛ با این پیش‌فرض در مورد زنان، جایگاه حقوقی زن و مرد را یکسان می‌داند، همانطور که در قانون اساسی نیز بر این مطلب تأکید شده است.<sup>۵۲</sup>

با توجه به حق دخالت زنان در تعیین سرنوشت خود، حضور سیاسی آنها برای احقاق حقوقشان ضروری است و حضرت امام ؛ این را تکلیف زنان می‌داند، همان‌طور که در تاریخ، زنان در مسایل سیاسی حضوری فعال و مؤثر داشتند در عصر حاضر نیز باید به این حضور مداوم بخشند.<sup>۵۳</sup>

بنا به عقیده امام ؛ حقوق سیاسی زنان و مردان مساوی است و همانطور که مردان باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خود را حفظ نمایند، زن‌ها نیز باید دخالت کنند و باید در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی همدوش مردان باشند و البته در این راه حفظ موازین شرعی و آنچه اسلام فرموده، لازم است.<sup>۵۴</sup>

در چاقوب فکری امام ؛، اسلام مخالفی با فعالیت‌های سیاسی زنان ندارد، بلکه ناسالم بودن محیط اجتماعی و دیدگاه‌های غلط رایج درباره زن است که حضور او را محدود می‌کند، ولی در شرایط فعلی جمهوری اسلامی ایران، دامنه حضور و مشارکت سیاسی زنان گسترده است.<sup>۵۵</sup> به این ترتیب، حضرت امام ؛ با به رسمیت شناختن حقوق سیاسی زنان، بر حضور فعال آنها تأکید می‌کند.

### حقوق سیاسی زنان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برگرفته از اسلام و بر اساس مبنای حقوق اسلامی تدوین شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است که در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تا کنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند، در این میان طبیعی است که احیای حقوق زنان، به دلیل ستم بیشتری که تا کنون از نظام طاغوت متحمل شده‌اند، بیشتر خواهد بود.

در این میان، خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است.

در ماده بیستم قانون اساسی آمده است که قانون از همه افراد ملت، اعم از زن و مرد یکسان حمایت می‌کند و همه مردم با رعایت موازین اسلامی، حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یکسان دارند.

بر اساس اصل بیست و یکم قانون اساسی، دولت به مجموعه وظایفی باید مبادرت کند





تا بتوان اصول دیگر را اجرایی نماید. براساس این اصل، دولت موظف است حقوق زن را در همه موارد با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زن؛
۲. حمایت مادران، به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی سرپرست؛
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده؛
۴. ایجاد بیمه خاص زنان بیوه، سال خورده و بی سرپرست.

در بعد سیاسی، همان‌طور که اسلام هیچ مخالفتی با شرکت زنان در انتخابات - چه رأی‌دهنده باشند و چه انتخاب شوند - ندارد، این حق در قانون اساسی نیز مورد توجه قرار گرفته است. بند هشتم اصل سوم قانون اساسی، بیانگر این مطلب است که همه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش آزادند. طبق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران امور کشور یا باید به اتکای آرای عمومی و از راه انتخابات اداره شود، مثل انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین گردد. به این ترتیب، هر فرد ایرانی در مقام انتخاب‌کننده، صاحب یک رأی است و در این مورد زن و مرد تفاوتی ندارند؛ در مقام انتخاب شوندگان نیز چالش جدی‌ای پیشروی زنان نیست.

## نتیجه‌گیری

جریان انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی<sup>۱۰</sup>، سبب شد که زنان از نظر فکری و عملی به جایگاه واقعی خود که اسلام مشخص کرده است، برسند. با شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر دیدگاه‌های مترقی امام راحل، حقوق سیاسی زنان در چارچوب تساوی حقوق انسانی و اجتماعی زن و مرد و عدم وجود مانع جدی در صورت رعایت موازین اسلامی از جانب همه، برای مشارکت سیاسی زنان شکل گرفت. بر اساس دیدگاه امام<sup>۱۱</sup> دخالت در سرنوشت خود، حق زنان است و در شرایط فعلی، حضور آنان در صحنه‌های

سیاسی نه فقط حق، بلکه تکلیف آنان است. این شرایط فکری، زمینه را برای شکل‌گیری حقوق سیاسی متناسب با شأن زن مسلمان در چارچوب قانون اساسی، فراهم کرد. در نتیجه باعث شد که جایگاه زنان در نظام اسلامی بالا رود و الگویی برای زنان مسلمان در همه جهان، باشند.

### پی‌نوشت:

۱. صحیفه امام، ج ۱۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸، ص ۱۶۵.
۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۱.
۳. امام خمینی، *البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۹، ص ۶۱۸.
۴. محمداسماعیل قاسمی طوسی، «جایگاه و نقش مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه امام خمینی»، *پایان‌نامه*، قم، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم، ۱۳۷۹، ص ۱۸۸.
۵. محمد منصورنژاد، *بررسی تطبیقی تعامل مردم و حاکم از دیدگاه امام محمد غزالی و امام خمینی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷.
۶. *صحیفه امام*، ج ۶، ص ۴۳۳.
۷. همان، ج ۳، ص ۵۰۳.
۸. همان، ج ۴، ص ۳۳۴.
۹. همان، ج ۶، ص ۵۴.
۱۰. همان، ج ۱۱، ص ۳۴.
۱۱. همان، ج ۲۰، ص ۲۹۵.
۱۲. همان، ج ۲۱، ص ۱۰.
۱۳. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۱.
۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۱۱.
۱۵. همان، ج ۴، ص ۴۳۲.
۱۶. همان، ج ۵، ص ۱۳۹.
۱۷. *در جستجوی راه امام از کلام امام*، دفتر هفدهم و بیستم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۲۰۵.
۱۸. صحیفه امام، ج ۲، ص ۶۷.
۱۹. همان، ج ۲، ص ۲۶۳.





۲۰. ر.ک: همان، ص ۶۷.
۲۱. همان، ج ۱، ص ۶۸.
۲۲. مرکز تحقیقات و برنامه‌ریزی، امام-اسلام-پیام آزادی، بی‌جا، بی‌تا، ص ۱۶۸.
۲۳. صحیفه امام، ج ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۸، ص ۵۳.
۲۴. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۶.
۲۵. همان، ص ۱۸۵.
۲۶. همان، ج ۳، ص ۴۹.
۲۷. سیف‌الله صرامی، حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی؛ با توجه به مبانی و ادله در منابع اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۱، ص ۵۲.
۲۸. مجله پانزده خرداد، شماره دوم، خرداد و تیر ۱۳۷۰، ص ۳۳-۳۴.
۲۹. امام خمینی، کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۷۳، ص ۲۱۰.
۳۰. در جستجوی راه امام از کلام امام، دفتر هفدهم و بیستم، ص ۲۰۲.
۳۱. همان
۳۲. همان، ص ۲۱۰.
۳۳. داود فیروزی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۲۷.
۳۴. همان
۳۵. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۴۲.
۳۶. همان، ص ۱۵۳.
۳۷. همان، ص ۱۴۷.
۳۸. همان، ص ۱۹۷.
۳۹. همان، ص ۲۰۰.
۴۰. همان، ج ۴، ص ۴۲۸.
۴۱. همان، ص ۴۲۸.
۴۲. همان، ج ۷، ص ۳۳۸.
۴۳. همان، ج ۴، ص ۴۲۷.
۴۴. همان، ص ۳۳۹.
۴۵. همان، ص ۳۴۰.
۴۶. همان، ج ۶، ص ۴۰۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

۴۷. همان، ج ۱۸، ص ۴۰۲.
۴۸. همان، ص ۴۰۳.
۴۹. همان
۵۰. همان
۵۱. همان، ج ۶، ص ۱۸۶.
۵۲. صحیفه امام، ج ۳، ص ۴۹.
۵۳. همان، ج ۹، صص ۲۲۰ و ۲۱۹؛ همان، ج ۷، ص ۲۵۴.
۵۴. همان، ج ۱۸، صص ۴۰۴ و ۴۰۳.
۵۵. زهرا گلدانی، حقوق زنان، انقلاب اسلامی و فرایند جهانی شدن، تهران، پژوهشکده امام خمینی؛ و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

